

نامهای آسمانی قرآن



اشاره

شناخت قرآن و آشنائی با علوم و معارف قرآنی برای هر مسلمانی به عنوان یک ضرورت فوری مطرح است. بهمین جهت از این شماره - بخواست خداوند - بحثهایی خواهیم داشت در معرفی قرآن و ابعاد گوناگون آن. در این بحثها از خود قرآن استمداد خواهیم کرد و قرآن را به وسیله قرآن مورد بررسی قرار خواهیم داد و صد البته در کنار آیات قرآنی، از احادیث معصومین و سخنان دانشمندان نیز استفاده خواهد شد.

نام های قرآن

بطوری که هر کدام از کتابهای آسمانی برای خود نام خاصی داشته است، قرآن نیز که مجموعه آیاتی است که از طریق وحی به جان و دل پیامبر گرامی اسلام نازل شده، دارای نام و یا نام هائی است که در خود قرآن آمده است. البته درست روشن نیست که در زمان حیات پیامبر از قرآن به چه نام شخصی یاد می شد، اما تکرار کلمه قرآن در جای جای مجموعه وحی الهی، این گمان را تقویت می کند که این مجموعه به همان نام قرآن خوانده می شد. همچنین در روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه درباره فضل قرآن نقل شده نام "قرآن" و "مصحف" و "کتاب الله" تکرار شده است. بهر حال برای قرآن این کتاب آسمانی مسلمانان، نام های گوناگونی در خود

قرآن اطلاق شده است که هرکدام بیانگر بعد خاصی از قرآن و دارای بار ویژه‌ای است.

در مورد تعداد نام های قرآن بعضی ها افراط کرده و هر صفتی را که در قرآن برای قرآن ذکر شده است، به عنوان " نام " تلقی کرده اند مثلا از قاضی شیظه نقل شده که قرآن پنجاه و پنج اسم دارد^۱ در مقابل، بعضی ها هم گفته‌اند قرآن فقط یکاسم دارد و آن قرآن است و بقیه همه صفات قرآن می‌باشد^۲ ما تصور می‌کنیم همانگونه که قول اول نمیتواند قابل قبول باشد و مثلاً نمی‌توانیم یکی از اسامی قرآن را عربی و یکی را امر و یا حبل بدانیم، همچنین قول دوم نیز با واقع تطبیق نمی‌کند زیرا نام هائی مانند فرقان و ذکر و کتاب اگر هم در قرآن به عنوان صفت ذکر شده باشد لااقل در عرف مسلمین به عنوان نام تلقی شده است و می‌توان آنها را " علم منقول " دانست همانگونه که خود کلمه " قرآن " نیز همین حکم را دارد.

اینک صفاتی را که می‌توان از آنها به عنوان نام های قرآن یاد کرد، مورد بحث قرار می‌دهیم:

۱- قرآن

معروفترین نام مجموعه وحی محمدی همان قرآن است و این نام بیشتر از همه نام های دیگر، در خود قرآن آمده و در طول قرن ها و نسل ها کاملا جا افتاده است این کلمه شصت و هشت بار در قرآن تکرار شده که در همه جا به معنی همین کتاب آسمانی است جز در دو مورد که به صورت قرآن الفجر ذکر شده و منظور از آن نماز صبح می‌باشد (سوره الاسراء آیه ۷۸)

کلمه قرآن بیشتر به صورت تنها ذکر شده و گاهی هم با صفت هائی چون حکیم، مبین، مجید، کریم، عظیم، ذی‌الذکر، عربی و در مواردی به صورت هذا القرآن آمده است که در بعضی های آینده به آنها خواهیم پرداخت^۲ بحث مهمی که در اینجا وجود دارد بحث در اشتقاق واژه قرآن است و اینکه آیا اساسا کلمه قرآن یک واژه عربی اصیل است و یا از واژه های دخیل می‌باشد؟

۱ - زرکشی، البرهان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۲۷۲

۲ - دکتر سید محمد باقر حجتی، مجموعه سخنرانیها و مقالات (دارالقران الکریم)

و به فرض اول ماده اشتقاق آن چیست ؟

بعضی از نویسندگان معاصر به پیروی از برخی مستشرقان غربی احتمال داده‌اند که واژه قرآن یک واژه غیر عربی است که مانند بسیاری از واژه های سریانی و آرامی و عبری در اثر مجاورت عرب ها با این زبانها وارد زبان عربی شده است. "بلاشر" و "کرنکو" گفته اند که قرآن از کلمه "قریانا" که یک واژه سریانی یا عبرانی است و بمعنی خواندنی و خوانده شده آمده، گرفته شده است^۳. بعضی از نویسندگان معاصر عربی این احتمال را بعید ندانسته و آن را پذیرفته اند^۴.

ما تصور می کنیم به مجرد مشابهت واژه ای به واژه ای نباید آنها را هم ریشه و یکی را متخذ از دیگری دانست مگر اینکه دلیلی در دست باشد زیرا اگر این باب باز شود ادبیات دچار هرج و مرج خواهد شد و کسانی از آن سوء استفاده خواهند نمود همانگونه که اخیرا چنین چیزی اتفاق افتاده و کسانی گفته اند "قریش" از "کورش" و "مکه" از "مهکه" و "ابراهیم" از "بهرام" و "چاه" زمزم از "زمزمه" گرفته شده است^۵.

شک نیست که در زبان عربی و حتی در قرآن واژه های دخیل و بیگانه وجود دارد اما باید در این موضوع دقت و احتیاط لازم را به عمل آورد و به قدر متیقن بسنده کرد.

بهرحال ادباء و دانشمندان اسلامی واژه قرآن را یک واژه اصیل عربی می دانند ولی در ریشه اشتقاق آن اختلاف دارند، اکنون ما گفتار چند تن از صاحب نظران را در این باره نقل می کنیم و سپس به جمع بندی آن می پردازیم.

ابن اثیر می گوید:

معنی اصلی واژه "قرآن" جمع کردن است... قرآن را قرآن گفتند به این جهت که آن، فصحی ها و امر و نهی و وعده و وعید را جمع کرده و نیز آیات و سوره هارا به یکدیگر پیوسته است و قرآن مصدر است مانند غفران و کفران^۶.

۳- دکتر محمود رامیار

۴- دکتر صبحی صالح مباحث فی علوم القرآن ص ۲۰

۵- یوسف فضائی جامعه شناسی دینی جاهلیت قبل از اسلام (قسمت یادداشتها) صفحه ۱۴۰

۶- ابن اثیر النهایه ج ۴ ص ۳۰

ابن منظور می گوید:

ابواسحق نحوی گفته است که کلام خداوند را که به پیامبرش نازل کرده، کتاب و قرآن و فرقان می نامند این کتاب را از آنجهت قرآن می نامند که سوره‌ها را جمع کرده و آنها را بهم پیوسته است... و از شافعی نقل شده که قرآن اسم است و همزه ندارد و از ماده قرئت اخذ نشده است بلکه قرآن اسم کتاب خداست مانند تورات و انجیل^۷
طبرسی می گوید:

قرآن در اصل به معنی خواندن است و آن مصدر قرئت به معنی تلاوت کردم می باشد این معنی از ابن عباس نقل شده و بعضی ها گفته اند که قرآن مصدر قرئت به معنی جمع کردم می باشد و این قول قناده است. و قرآن به معنی مقروء آمده از باب استعمال مصدر به معنی مفعول مانند کتاب و حساب که به معنی مکتوب و محسوب آمده است.^۸

راغب اصفهانی می گوید:

قرئت به معنی پیوند دادن حروف و کلمات به یکدیگر در مقام ترتیل می باشد و کلمه قرآن به کتابیکه بر محمد (ص) نازل شده اختصاص یافته است همچنانکه تورا^۹ بر کتاب موسی و انجیل بر کتاب عیسی اطلاق می شود. بعضی از علماء گفته اند که در میان کتب آسمانی به این کتاب قرآن گفته شده از آنجهت که قرآن ثمره همه آن کتابها بلکه ثمره همه علوم را جمع کرده است^۹
دکتر صبحی صالح می گوید:

قراء گفته است که قرآن از قرینه مشتق شده زیرا آیات آن شبیه یکدیگر و گویا که قرینه هم هستند. و اشعری گفته است قرآن از "قرن" مشتق شده که به معنی ضمیمه کردن چیزی به چیزی است زیرا که سوره ها و آیات قرآن ضمیمه یکدیگرند... و لحيانی گفته است قرآن مصدر مهموز برون غفران می باشد و از قرء به معنی تلاوت کردن مشتق شده و مصدر به معنی مفعول است.^{۱۰}

۷- ابن منظور لسان العرب ج ۱ ص ۱۲۸

۸- طبرسی. مجمع البیان ج ۱ ص ۸۲ طبع بیروت

۹- راغب اصفهانی المفردات ص ۴۱۴

۱۰- صبحی صالح مباحث فی علوم القرآن ص ۱۸-۱۹

از این گونه تعبیرات در کتب لغت و تفسیر و علوم قرآن بسیار است و ما نمونه هائی از آن را نقل کردیم و بقیه تکرار همین مطالب است از جمع بندی این گفته ها، نظریات و اقوال زیر به دست می آید:

- ۱- قرآن اسم خاص کتاب خداست و نه مشتق است و نه مهموز (شافعی)
- ۲- قرآن از قرن به معنی ضمیمه کردن آمده است (اشعری)
- ۳- قرآن از قرء به معنی جمع کردن آمده است (ابن اثیر و ابواسحق)
- ۴- قرآن از قرء به معنی خواندن و قرائت کردن آمده است (طبرسی و لحيانی)

به این اقوال دو قول هم از مستشرقین اضافه می کنیم:

- ۱- قرآن به معنی تبلیغ کردن است (بلاشر)^{۱۱}
 - ۲- قرآن به معنی با صدای بلند و خوش خواندن است (پتروفشسکی)^{۱۲}
- ما تصور می کنیم که قرآن اسم خاص کتاب آسمانی اسلام است و همه معانی ذکر شده را می توان در آن لحاظ کرد. وقتی کسی قرآن می خواند هم کلمات و آیات آن را به یکدیگر ضمیمه کرده و جمع نموده و هم می خواند و هم تبلیغ می کند و هم با صدای بلند و خوش می خواند (چون مطالعه بی صدا را نمی توان قرائت نامید)

ادامه دارد

۱۱- رژی بلاشر در آستانه قرآن ص ۱۳۳

۱۲- پتروفشسکی اسلام در ایران ص ۱۱۱

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ شَيْئًا أَنْ تُكْرِمَ قَلْبًا،
وَأَنَّ شَيْئًا أَنْ تُهَانَ فَآخِشِينَ . - تحف المقول، ص ۲۵۶

● امام صادق علیه السلام فرموده است: اگر میخواهی در جامعه مورد تکریم و احترام باشی با مردم به مدارا و نرمی برخورد کن، و اگر میخواهی با تحقیر و اهانت مردم مواجه شوی روش تند و خشنونت در پیش گیر.